اتاق نشیمن آقای بورکمن با مبلمانی قدیمی از شکومی روبه زوال حکایت دارد. در انتهای صحنه، یک در کشویی باز و پشت آن اتاق روبه باغ، چند پنجره و یک در شیشه ای دارد. پشت پنجره ها و در شیشه ای کمی از باغ دیده می شود. در تاریک و روشن غروب برف می بارد. سمت راست، دری به راهرو باز می شود، یک بخاری آهنی بزرگ جلوتر از در راهرومی سوزد.

سمت چپ، نزدیک به انتهای صحنه، دری یک له و کوچک وجوددارد.

جلوی صحنه در همان طرف، یک پنجره با پرده های ضخیم آویخته است.

میان پنجره و در، یک نیمکت با روکشی بافته شده از موی اسب، جلوی نیمکت، یک میز با روکش ضخیم روی آن چراغ آباژوردار روشنی گذاشته اند. کنار بخاری، یک صندلی راحتی پشت بلند قراردارد.

اینجا فضای زندگی یک رئیس بانک قدیمی به نام «جان گابریل بورکمن» است؛ مردی که خیلی اتفاقی و از جنس کلمات به وجود می آید. برف آرامی بر آوریل ۱۸۹۶ نروژ می بارد و نمایشنامه نویس ۶۸ ساله به آرامی نام های دیگری را کنار جان گابریل برروی کاغذ می آورد. او با خودش فکر می کند که باید تا اکتبر نیرومندترین چشم انداز زمستانی هنر اسکاندیناوی را بر همین میز چوبی و کهنه خلق کند. اینسن پیر پرانرژی و سرحال می نویسد و آثار کهولت چندان در چهره اش پیدا نیست. او می داند که باید تا ۲۳ مه سال ۱۹۰۲ خاطرات برف و حجم وسیع زمان را دوره کند. بنابراین اگرچه که شبح سکته هر لحظه نزدیک به مغز اوست اما به اثر دیگری فکر می کند؛ اثری که رنگ و بوی مرگ دارد. از این رو طرح های مبهم ذهنی اش را برای نوشتن «وقتی ما مردگان برخیزیم» مانند پازلی کنار هم می چیند. حالا، بیش از یک قرن از درگذشت وی می گذرد و تاریخ، درست در بیستم مارس (بیست و نهم اسفندماه) واپسین ثانیه های زمستان او را به دنیا خواهدآورد.

شاید هم اکنون هم که «جان گابریل بورکمن» در سرزمین شرقی ایران و در سالن ۵۷۹ نفری تئاتر شهر روی صحنه می رود، روح صد و یک ساله اش با تأملی خاص به زمستان ملایم تهران نگاه کند و این بار از نگاه شرقی یک نویسنده ایرانی به دوره کردن خود و جان گابریل بپردازد.

این روزها نمایشنامه مشهور «جان گابریل بورکمن» اثر هنریک ایبسن، با بازخوانی محمد ابراهیمیان و با عنوان «بدرود امپراتور» درحالی در تئاترشهر روی صحنه می رود که علی پویان کارگردان این اثر همواره درصدد سلامی دوباره به ۶۸سالگی ایبسن است.

با این حال در ارائه این تولید هنری درگفتمان مستقل نقش دارند. گفتمان اول به نویسنده متن بدرود امپراتور برمی گردد. در این بررسی متن دستخوش دو تغییر بنیادی شده است.

نخست این که ساختار اثر از شیوه «رگانیک» ایبسنی گریززده و نوعی روایت سوفکلی و هم وارونه وار به خود گرفته است. به تعبیری داستان از مرگ «جان گابریل» و دیالوگ دو خواهر (گونهیلد و الا) شروع می شود. محمد ابراهیمیان با این تغییر ساختاری درصدد نوعی قرائت فرمیک متفاوت است.

با این حال آن چه که از داستان اصلی درام می آید، وفاداری ایبسن را به جغرافیای متن نشان می دهد. ساختار درام ایبسن شبیه کپی برابر اصل است. یعنی همان طور که در سرزمینش گردش روزگار یا فصول را حس کرده، همان طور هم ساختار نوشتاری خود را تنظیم کرده است.

او بنا بر همان معادله ۳ گزینه ای تولد، زندگی و مرگ شخصیت های خود را حرکت و جولان می دهد. اما مهم ترین نکته ای که درباره شخصیت ها حائزاهمیت است، مفهوم زوال به شمار می رود. از این رو، مرگ دیگر آن معادله هراس آور نیست. به تعبیری مرگ جان گابریل اگرچه برای گونهیلد و الا درد آور است، اما چیز ویران کننده ای نیست. زیرا هردوی آنها در زندگی درد کلان تری را تحمل کرده اند؛ آن هم زوال و نابودی است.

این نابودی برای گونهیلد نهادینه و چارچوبی بوده است. یعنی او با هزار امید و آرزو ازدواج کرده است. اما حاصل این ازدواج چیزی جز ورشکستگی همسر و از دست دادن او نیست. او حتی بعد ازاین شکست به تنها فرزندش ارهارت بورکمن دلخوش می شود؛ فرزندی که تا پانزده سالگی به سرپرستی خاله اش (الارنتهایم) بزرگ شده است و هم اکنون سرپرستی این فرزند از جانب مادر و خاله، کشمکش اصلی داستان به شمار می رود.

اما ارهارت هردوی آنها را تنها می گذارد. بی شک چنین دردهایی از مرگ نابودکننده تر هستند. اما آن چه که از ذهنیت محمد ابراهیمیان در بازسازی متن برمی آید، طنین هراس آور مفهوم مرگ است. به تعبیری ساختار شکنی او جنبه ای مفهومی دارد. زیرا اگر کالبد ذهنیت نویسنده را در این تغییر ساختاری بشکافیم، دلیلی جز اولویت مفهوم مرگ پیدانمی کنیم. به تعبیری نویسنده، از میان رویدادهای داستان مرگ را برجسته می کند و در ابتدای متن قرارمی دهد. البته همه این رویکردها سلیقه ای است و هر نویسنده ای می تواند داستان را از زاویه مطلوب خود شروع کند.

حتی بعضی از نویسندگان، اثر خود را از وسط ماجرا و نیمه های داستان شروع می کنند. اما آن چه که در این تغییرساختاری متن به چشم می آید، گریز از دغدغه مضمونی ایبسن است. زیرا ایبسن بیش از مرگ به مفهوم زوال اهمیت می دهد. این درحالی است که منتقدان خارجی درباره ساختار درام ایبسن نظر متفاوتی داشته اند. در مقدمه «مایکل مایر» آمده است: آنچه جان گابریل بورکمن را تا حد یک شاهکار کم نظیر تئاتری ارتقا داده، قدرت تکنیکی آن است. یک جنبه از این قدرت تکنیکی به ساختار متداخل برمی گردد. هر پرده درست ازجایی شروع می شود که پرده دیگر به پایان رسیده است.

این ساختارها ما را با لحظاتی از تئاتر ناب، غافلگیری تکان دهنده و انتظار برآورده شده، روبه رو می کنند. مانند صحنه آغازین پرده دوم که پرده بالا می رود تا رد پای پرده نخست را به ما نشان دهد.

با این حال کارگردان این اثر نیز از ساختار متن بازسازی شده، پیروی می کند. وی با قراردادن یک اکسسوار صحنه ای مفهوم مجرد مرگ را دراماتیزه می کند. علی پویان برای ترسیم صحنه مرگ، یک تابوت چوبی و قدیمی را به کار می برد.

در این صحنه ۲ خواهر روبه روی هم و در سوی تابوت می ایستند و دیالوگ های پایان نمایشنامه ایبسن درواقع جملات آغازین متن ابراهیمیان را تکرار می کنند. کارگردان در پایان نمایش نیز به همین فضاسازی روی می آورد. در واقع بعد از پرده نخست، تابوت از صحنه خارج می شود. اما در پرده آخر دوباره شاهد حضور دوخواهر در دوسوی این تابوت و دیالوگ های مشابه هستیم.

شاید این تابوت بیش از هر چیزی عنصر صحنه ای نیمکت را در ذهن زنده می کند. ایبسن در متن خود نیمکتی را به کار می برد که جان گابریل روی آن می میرد. اما قبل از این صحنه، او و الا از خانه خارج شده اند و در واقع این نیمکت در وسط جنگل قرار دارد. این مسأله اگرچه در کار پویان با عنصر نورپردازی از فضای صحنه ای جدا می شود، اما همواره تداخل فضاها را در ذهن مخاطب ایجادخواهد کرد. اما نکته قابل اشاره در عنصر صحنه ای که ایبسن به کار می برد، کلیدی بودن است. ایبسن در طول اثر نمایشنامه کاری به کار مرگ ندارد، و شخصیت هایش هم نسبت به مرگ بی تفاوت هستند. از این رو، شخصیت نمایشی اش روی یک نیمکت می میرد و نیمکت هم چه به لحاظ شکل فیزیکی نه از مرگ، بلکه از زندگی خبر می دهد؛ زندگی که به شکلی نصف و نیمه و بریده شده در میان جنگل انبوه رها شده است. علی پویان برای ریتم اجرایی نمایشی نیز تغییرات شگردهای دیگری به کار برده است. وی نمایشنامه چهار پرده ای ایبسن را در ۱۰ تابلو اجرا می کند و حرکت متوالی و پشت سر هم تابلوها در ابتدای نمایش به طور کامل مشهود است. پویان این تابلوها را به ترتیب اجرا، دستها، اعتراض ، بیگانه، اعتراف ، شک ، زندگی ، فریب، عشق ، مرگ و بدرود نامیده است. البته این نامگذاری صوری و لفظی بوده و به گسست زیرساختی متن ایبسن منجر نشده است. آنچنان که در بالا هم آمد، هدف ایبسن پرداخت شخصیت هایی است که در زندگی شکست خورده اند. بنابراین گفتمان در پرداخت اجرایی کارگردانی ایرانی حفظ شده است. زیرا در تک تک این تابلوها وفاداری به دیالوگ های متن ایبسن به چشم می آید.

نگاهی به نمایش «بدرود امپراتور»

طنین هراس آور مرگ

امید بی نیاز

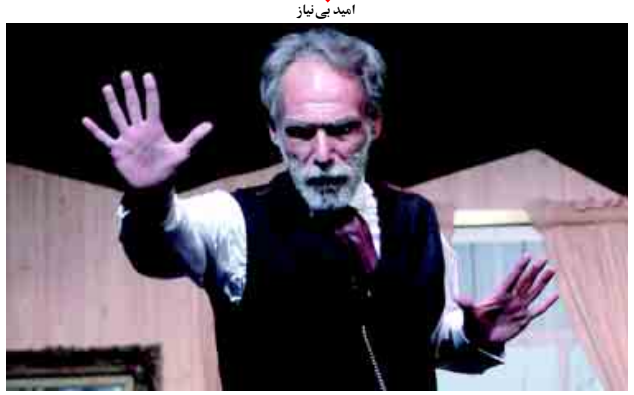

اما نکته دیگری که به متن و در واقع بازنویسی محمد ابراهیمیان ربط دارد، همان نگاه گرم شرقی است. ابراهیمیان اعتقاد دارد که متن ایبسن را با پرتوی گرم شرقی رنگ آمیزی کرده و شخصیت ها را از پختیدن و زمهریر اسکاندیناوی به قلمروی جغرافیایی مشرق نزدیک کرده است. با این وجود شخصیت پردازی آدم های این نمایش به شیوه ای درونی صورت می گیرد. در متن اقتباسی از ایبسن نیز همین تکنیک به چشم می آید. ایبسن در این نمایش کمتر به شخصیت پردازی فیزیکی پرداخته و بیشتر آدمها از طریق دیالوگ ها پرداخت می شوند و رنگ و لعاب می گیرند. دیالوگ های آنان نیز بیش از هر چیزی محیطی و اقلیمی است. برخی شخصیت ها به تناسب سرما، برف و شرایط اقلیمی ، به دیالوگ گونهیلد و الا بالای سر بورکمن ایستاده اند. الا می گوید؛ سرما او را کشت و گونهیلد سرش را تکان می دهد و می افزاید؛ گفتی سرما؟ سرما او را خیلی پیش از این ها کشته بود. الا سرش را تصدیق کنان تکان می دهد می گوید؛ ما دو نفر را به سایه تبدیل کرد. شخصیت پردازی روحی و روانی در بیشتر موارد از شگردهای خاص ایبسن در توصیف شخصیت هاست. در پرداخت اجرایی نمایش «بدرود امپراتور» با اقتباس از متن ایبسن دو نکته دیگر قابل اشاره است. نکته نخست انتخاب بازیگران است. ایبسن در پرده نخست نمایشنامه خود خانم بورکمن را این گونه توصیف می کند: خانم گونهیلد بورکمن روی نیمکت نشسته و سرگرم قلابدوزی است. او بانویی سالخورده است که ظاهری اشرافی و سرد و حالتی انعطاف ناپذیر و خشک دارد و ... انگار ایبسن شخصیت نمایشی خود را کلمه به کلمه برای شخصیت عینی نقش تعریف می کند. او به توصیف کارکتری می پردازد که دوحالت توأمان آرام و انفجاری را در خود نهفته است.

یعنی او نمونه شخصیتی است که بیشتر نسبت به پیرامون حالتی سرد دارد و اگر عصبی هم می شود، این عصبیت در یک روندبه وقوع می پیوندد. اما بازیگر این نقش روی صحنه نه بر فیزیک و ظاهر عصبی، بلکه بر بیان عصبی تکیه می کند و این امر در موارد زیادی مشهود است. با این حال بازیگر این نقش (ژیلا سهرابی) تا حدود زیادی به گونهیلد بورکمن نزدیک شده است. بازیگران دیگرهم ازجمله جهانگیر الماسی، نسیم ادبی ، مرجانه گلچین ، رضا امامی ، علی گوهری و ... با چنین کیفیتی به نقش های خود نزدیک شده اند.

بازی جهانگیر الماسی در نوع خود جالب توجه است اما این بازیگر هم به لحاظ بیانی، گویای ترسیم شخصیت روحی بورکمن نیست.

در بحث طراحی صحنه نیز اصولی مدنظر قرار گرفته اند. طراحی صحنه دو طبقه برای نشان دادن دو زندگی در یک خانه از شگردهای فضاسازی این نمایش است. طبقه بالا (محل زندگی جان گابریل) به لحاظ زاویه دید تماشاگر و چشم انداز دیداری وی تا حدودی دور به نظر می آید. شاید این دوری در نگاه اولیه به گسست بورکمن از جریان همسطح و عادی زندگی اشاره دارد. خود ایبسن در طراحی نوشتاری متن خود چنین نوشته است:

اتاق پذیرایی بزرگ در گذشته میهمانخانه اصلی در خانه رتنهایم بوده است. دیوارکوب های کهنه که همگی رنگ و رو رفته اند و صحنه هایی از شکار و زندگی چوپانی را نمایش می دهند، دیوارها را پوشانده اند و ...

آن چه که از توصیف می آید، از طراحی دو فضای موازی و مماس در ذهن مخاطب خبر می دهد. حتی الا در پرده نخست می گوید؛ از وقتی که آمده ام صدای پایش را که از آن بالا می آید ، می شنوم. ما در هنگام چنین دیالوگی با قدم زدن جهانگیر الماسی در طبقه دوم صحنه روبرو هستیم. این کنش دراماتیک عمیق و میزانسن خاصی داشته و در واقع این نکته ریز درچشم انداز دیداری مخاطب سهم بسزایی دارد.

موسسه فرهنگی، مطبوعاتی ایران
ایران
اشتراک ویژه تهران
مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران برای تمامی نشریات در حال انتشار خود مشترک می پذیرد
علاقه مندان به اشتراک و دریافت روزانه هر یک از نشریات روزنامه ایران شامل: روزنامه ایران، روزنامه ایران ورزشی، روزنامه ایران دیلی (انگلیسی زبان)، روزنامه الوفاق (عربی زبان)، روزنامه ایران سپید (ویژه نابینایان) و ماهنامه ایران آذین می توانند پرسشنامه زیر را تکمیل و بر اساس جدول مندرج در آن هزینه اشتراک خود را به حساب جاری سیبا ۰۱۰۱۱۰۱۲۳۴۰۰۹ بانک ملی شعبه کسری کد ۱۸۵ به نام «مؤسسه شهرستانهای ایران» 0101101242009 پرداخت کرده و اصل رسید را به همراه پرسشنامه تکمیل شده با پست سفارشی به نشانی: تهران، خیابان سلیمان خاطر، نرسیده به طهری، نبش کوچه گلزار شماره ۹۶ اداره مشترکین ارسال نمایند.

نام: نام خانوادگی: تاریخ تولد: / /
نام شرکت یا مؤسسه:
نشانی:
کدپستی الزامی است: تلفن تماس:
نوع درخواست: اشتراک جدید: ☐ تعداد و نام نشریه مورد تقاضا: تمدید اشتراک: ☐

هزینه اشتراک نشریه مورد تقاضا	۳ ماهه (ریال)	۶ ماهه (ریال)	یک ساله (ریال)
ایران	☐ ۵۵/۰۰۰	☐ ۱۱۰/۰۰۰	☐ ۲۲۰/۰۰۰
ایران ورزشی	☐ ۷۰/۰۰۰	☐ ۱۴۰/۰۰۰	☐ ۲۸۰/۰۰۰
ایران دیلی	☐ ۷۰/۰۰۰	☐ ۱۴۰/۰۰۰	☐ ۲۸۰/۰۰۰
الوفاق	☐ ۷۰/۰۰۰	☐ ۱۴۰/۰۰۰	☐ ۲۸۰/۰۰۰
ایران سپید	☐ ۹۷/۵۰۰	☐ ۱۹۵/۰۰۰	☐ ۳۹۰/۰۰۰
ایران آذین	☐ ۳۵/۰۰۰	☐ ۷۰/۰۰۰	☐ ۱۴۰/۰۰۰

مشترک شماره: شروع اشتراک: پایان اشتراک:
شماره مدرک: تاریخ پرداخت:

تذکر: ۱- ارسال نشریه برای درخواستهایی که تا دهم و بیستم هر ماه به امور مشترکین برسد به ترتیب از شانزدهم آن ماه و اول ماه بعد آغاز می شود.
۲- هزینه اعلام شده بابت یک نسخه و یک نوع نشریه است.
۳- لطفاً رسیدهای پرداختی پستی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگهدارید.
۴- در صورت تغییر نشانی، امور مشترکین را مطلع نمایید.
۵- تلفن های امور مشترکین موسسه ایران ۴ - ۸۸۳۲ ۹۰ ۰۲ ، تلفکس: ۸۸۱۳۲ ۹۰ ۰۲ (۱۶-۸)
۶- برای تمدید اشتراک فقط فاکسیمه بر روی فیش بانکی کد اشتراک خود را نوشته و با شماره ۸۸۳۲۹۰۰۲ فاکس و یا به نشانی فوق ارسال نمایید.
۷- نهتنها کدپستی دقیق الزامی است در صورت دادن اطلاعات نادرست و ناقص عواقب آن به عهده مشترک می باشد.
۸- مشترکین محترم می بایست شروع اشتراک و پایان اشتراک و همچنین کد اشتراک خود را به یاد داشته تا پیگیری امور مربوط به آنها آسان گردد.
۹- در صورت عدم دریافت نشریه در اولین روز اشتراک مراتب را به اداره مشترکین اطلاع دهید در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می شود.
۱۰- مشترکین محترم در صورت تمایل به تمدید مجدد می بایست ۱۰ روز قبل از اتمام تاریخ اشتراک فیش بانکی را به همراه کد اشتراک به اداره مشترکین فاکس و یا به نشانی فوق پست نمایند. در صورت عدم تمدید در فاصله تعیین شده به منزله انصراف از اشتراک در نظر گرفته می شود.
۱۱- مشترکین محترم می توانند همزمان با تکمیل فرم اشتراک به عضویت باشگاه خوانندگان روزنامه ایران درآیند و از مزایای آن استفاده کنند. در صورت تمایل موافقت خود را اعلام فرمایید. موافقم ☐ موافق نیستم ☐
اداره امور مشترکین

روی دکه مطبوعات هنری

فیلم و سینما

دو هفته نامه «فیلم و سینما» ویژه نیمه نوروز ۸۶ منتشر شد.

در شماره ۱۸۲ این نشریه، مطالبی همچون یادداشت نوروزی، گفت وگو با بهنوش بختیاری، نگاهی به فیلم های نوروزی، گفت و گو با جهانگیر الماسی، گزارش ویژه اسکار و با اسکار ۲۰۰۷ را می خوانیم.

مطالب دیگر این شماره عبارت اند از: یادداشتی برباری دی کاپریو، کوتاه از هالیوود، گزارش معنا و جنون قاتلان هالیوودی ، گفت وگو با دیوید فینچر و ...

سینما و ادبیات

شماره دوازدهم فصلنامه «سینما و ادبیات» ویژه بهار ۸۶ روی پیشخوان دکه ها قرار گرفت.

در شماره جدید این مجله نیم ویژه نامه ای با عنوان «مارتین اسکورسیزی» به چاپ رسیده است. در این ویژه نامه، مطالبی همچون دستاوردهای بزرگ در کارگردانی، روایت رؤیای آمریکایی، بازی انتقام، یادداشت هایی بر فیلم های مختلف مارتین اسکورسیزی، درباره مستندهای اسکورسیزی و ... آمده است.

مقالات دیگر سینما و ادبیات عبارت اند از: درباره سینمای ایران، داستان و شعر، نقد و بررسی، مباحث نظری، رویدادها، موسیقی ایرانی در سالی که گذشت، قطعه ای از سارتر درباره کافکا و ...

عکس

مجله «عکس» به شماره ۲۳۹ رسید. این شماره که ویژه اسفند ماه است، مطالبی همچون گفت و گو با کوروش امام و اندرونی و بیرونی، نکس های دیجیتال، ردی از بودن، گفت وگو با کامران عدل، توانایی تسخیر بنا، سیاه مشق های کوروش امام و ... را ارائه کرده است.

مروری بر زندگی و آثار ویلی رونیس، قر و غمزه خاک، مسابقه ها و جشنواره های خارجی، انسان این سان کاری از عکاسان گروهی (مهدی وثوق نیا، تورج خامنه زاده، کوروش ادیم و ...) و بررسی کیفیت بصری عکس ها در مسابقه های اخیر عکاسی، مقالات دیگر این شماره مجله عکس است.

ادبیات داستانی

ماهنامه «ادبیات داستانی» ویژه دی ماه نیز منتشر شد. در شماره ۱۰۵ این مجله ویژه ادبیات داستانی این مطالب را می خوانیم: خاطره، زندگینامه و داستان، زاویه دید در مقابل کانون شدگی، پژوهش و سیاحتی در حماسه ها، ادبیات کودک و نوجوان ایران و کتاب ماه کودک و نوجوان، آیا کافکا صهیونیست بود؟ (از محمدرضا سرشار) و ...

عناوینی همچون خدمت گذاری بی جیره و مواجب ادبیات، دلایل دشوار نمایی و دشوار فهمی برخی آثار ادبی، ناقدان ایثارگران جامعه فرهنگی، در وادی ادبیات و ... از دیگر مطالب ادبیات داستانی است.

مقام موسیقایی

ماهنامه «مقام موسیقایی» شماره ۳۷ ویژه دی وبهمن ماه به چاپ رسید.

در شماره جدید این مجله، خروج از حد اعتدال، ویژه جلیل شهناز، زندگی با موسیقی زندگی بدون موسیقی، درباره کنسرت ارکستر ملل، طنز موسیقایی، به یاد بابک بیات، مصاحبه ای از محمدنوری خواننده موسیقی پاپ، کلاسیسم و نئوکلاسیسم، درباره خواننده موسیقی اصیل ایرانی و ... را می خوانیم.

دیگر مطالب این نشریه عبارت از: موسیقی چیست؟ ، موسیقی ژاپن، سالگرد وفات مولانا، جای موسیقی در رادیو است، گزارش نکوداشت، معرفی آثار شنیداری و...

جدید

پیش شماره نشریه فرهنگی اجتماعی «جدید» با صاحب امتیازی و مدیر مسئولی محمدرضا زائری روانه بازار مطبوعات شد.

در این پیش شماره که به شکل مجله ای در بهمن ماه منتشر شده است، سرفصل های فرهنگ، پرونده، نگاه، ادبیات، هنر و خانه جدید ارائه شده است.

مطالب دیگر «جدید» عبارت اند از: گفت وگو با پرفسور مولانا، گفت وگو با زن بودایی تازه مسلمان شده، لبنان به روایت نسل جدید عکاسی ایران، مجموعه عکس لبنان برداشت دوم، نوشته هایی از مصطفی مستور، محمدامین، سیدمهدی شجاعی، سهیل محمودی، معصومه ابتکار و ...

شعر

فصلنامه «شعر» که از مجموعه نشریات حوزه هنری است، به شماره ۴۹ رسید. این شماره که ویژه پاتیز است و به تازگی به دستمان رسیده، مطالبی همچون گفت وگو با دکتر کاووس حسن لی، یک قطعه مثنوی از علی معلم دامغانی با عنوان دهلی خراسان است در چشم، اقبال و همسر ؛ زخم زبان بسته، رستخیز شاعران و ... را ارائه کرده است.

عناوین مقالات دیگر «شعر» عبارت اند از: تجربه ای نو در شعر کوتاه ایرانی، فکر پرنده ها باش، در همین فرصت کم، داستان جمشید از منظر عرفان، شعر براخسته از ذوق و دانایی، درباره ناغزلی، شعر رومانی، عاشقانه ها و ...

صحنه

ماهنامه تخصصی تئاتر «صحنه» ویژه بهمن ماه روی دکه مطبوعات قرار گرفت. در شماره ۳۸ و ۳۹ این مجله مطالبی ویژه نمایشنامه نویسی به چاپ رسیده است. در این شماره، این مقالات را می خوانیم: تراژدی به معنای واقعی خود، ادبیات نمایشی در آستانه هزاره سوم، مقایسه کمدی چخوف و شاو، نوآوری درام نویسی چخوف، هملت و مسائلش، تاریخچه ادبیات نمایشی اردو و ...

دیگر مطالب این شماره «صحنه» عبارت اند از: گفت وگو با منصور براهیمی، محمد ابراهیمیان و نغمه ثمینی، چند نمایشنامه کوتاه خارجی و ایرانی، نقد کتاب، نگاهی به صحنه، راپرت مطرب و مطربه در تیاتر و ...